



شهید سید جلال روح‌اله برگی

ولادت: ۱۳۳۶/۲/۲، استان اصفهان

پذیرش در رشته حقوق

شهادت: ۱۳۶۵/۲/۱، فاو

آرامگاه: تهران، بهشت زهرا، قطعه ۵۳، ردیف ۱۳۱، شماره ۹

زندگی‌نامه

سید جلال روح‌اله برگی در دوم اردیبهشت ۱۳۳۶ در شهرستان اردستان متولد شد. او زندگی کودکانه‌اش را همراه با عشق به مقدسات سپری کرد و با تربیت دینی مدرسه را آغاز نمود و به همین ترتیب علم و تحصیل را ادامه داد. پس از کسب دیپلم در دو رشته طبیعی قدیم و ریاضی به خدمت سربازی فراخوانده شد. هم‌زمان وارد مبارزات سیاسی شد و در طول خدمت سربازی به پخش اعلامیه‌های امام خمینی (ره) در میان سربازان می‌پرداخت که چندین بار توسط عمال رژیم مورد آزار و اذیت قرار گرفت.

هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ماجراهای کردستان با هدف درگیری انقلاب با مشکلات و جنگ‌های داخلی آغاز شد. شهید برگی در این جریان در شهریور ۱۳۵۸ به صف مبارزه با دشمنان انقلاب پیوست. در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ پس از قبولی در آزمون تربیت مربی که توسط سپاه تشکیل شده بود، در دوره آموزشی شرکت کرد و پس از اتمام آن به عنوان مربی عقیدتی - سیاسی سپاه مشغول کار شد. او حدود یک سال در یکی از پادگان‌های آموزشی به عنوان مسئول تبلیغات و چند ماه نیز در تیپ ویژه شهدا در کردستان به خدمت پرداخت. پس از شرکت در کنکور سال ۱۳۶۴ و کسب رتبه دوازدهم در رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد و تحصیلات دانشگاهی خود را آغاز کرد. در این مدت نیز بارها به جبهه اعزام شد و سرانجام در نخستین روز اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ در منطقه فاو به شهادت رسید.

فرازی از وصیت‌نامه

کاروان شهیدان به راه خویش ادامه می‌دهد و هر روز انسان‌های مشتاق شهادت به آرزوی خود می‌رسند. امروز، روز امتحان است برای کسانی که می‌گویند: «ای کاش در زمان امام حسین بودیم و در رکاب ایشان شهید می‌شدیم». هم اکنون هم حسین است و

هم یزید؛ این گوی و این میدان. به قول معلم شهیدمان «دکتر علی شریعتی» «اکنون شهیدان رفته‌اند و ما مردگان زنده هستیم. آنها که رفتند، کاری حسینی کردند و آنها که مانده‌اند، باید کاری زینبی کنند»؛ یعنی یا باید جهاد کنند یا پیام شهیدان را به گوش جهانیان برسانند و پیام ما این است: ای دشمنان اسلام و ای دشمنان بشریت! بکشید این پاسداران اسلام و فرزندان امام را که امام‌مان فرموده است: «بکشید ما را، قتل عام کنید ما را، اما مکتب ما را نمی‌توانید نابود کنید؛ چون شهادت میراث پیامبران ماست و ما امروز وارث پیامبران هستیم.»

شما ای ابرقدرت‌های شرق و غرب! بدانید که ما به جای نفت انقلاب‌مان را صادر می‌کنیم و با سلاح ایمان به الله و شهادت در راه او سنگر به سنگر و شهر به شهر و کشور به کشور همگی‌تان را نابود خواهیم کرد؛ چون خداوند وعده پیروزی حق بر باطل را داده و وعده خدا راست است و هرگز گمان نکنید که با کشتن ما آسوده می‌شوید. بدانید که از هر قطره خون ما هزاران پاسدار و مجاهد انقلاب برمی‌خیزد و سلاح برادرش را به کف می‌گیرد و راهش را ادامه می‌دهد. شهادت تنها میراث ما و افتخار ماست و به این میراث افتخار می‌کنیم. آن قدر خون می‌دهیم تا نهال انقلاب درخت تنومندی گردد؛ چون انقلاب تنها درختی است که با خون سیراب می‌شود و لازمه رشد آن خون شهیدان و تلاش بازماندگان تحت رهبری ولایت فقیه است.

سخنی چند با پدر و مادرم و خواهران و برادرانم: در شهادت من گریه نکنید و لباس سیاه نپوشید؛ چون من به آرزوی خود که شهادت در راه الله است، رسیده‌ام. از روحانیت متعهد دست نکشید. در تمام نماز جمعه‌ها شرکت کنید که نماز جمعه تجلی‌گاه صلابت و اقتدار امت ماست.